

دوقطبی ای که به جنگ کشیده شد!

جنگ داخلی آمریکا به عنوان بزرگ ترین شکاف دوقطبی تاریخ آمریکا شناخته می شود که سرانجام به جنگ داخلی کشیده شد. این جنگ میان دولت های پشتیبان اتحادیه فدرال (مخالف برده داری) و ایالات جنوبی (حامی برده داری) که رأی به جدایی ایالات متحده و تشکیل کنفدراسیون ایالات مؤتلفه آمریکا داده بودند، به وقوع پیوست و تأثیراتش تا امروز نیز در سیاست آمریکا پابرجاست. علت اساسی جنگ، وضعیت برده داری به خصوص گسترش برده داری به قلمروهای ارضی تازه کسب شده در اثر جنگ آمریکا و مکزیک بود.



دولت دوم ترامپ دولت نخبگان ضد نخبگان

دونالد ترامپ، رئیس جمهور جدید آمریکا توسط گروه جدیدی از سیاستمداران و چهره های اقتصادی برجسته احاطه شده است. در حالی که یکی از وعده های انتخاباتی ترامپ سرنگونی «نخبگان فاسد» بود که او آنها را متهم به مانع تراشی در عرصه سیاسی آمریکا می کرد، دوره دوم ریاست جمهوری او توسط نخبگانی احاطه شده که بیش از همه به دلیل وفاداری سیاسی به ترامپ انتخاب شده اند.

استیون میلر (Stephen Miller)

استراتژیست سیاست های مهاجرتی

او در تیم ترامپ حضور دارد و وعده سیاست های مهاجرتی سختگیرانه تر را داده است.

چگونگی اختلاف افکنی: برنامه هایی برای اخراج گسترده مهاجران در صورت پیروزی ترامپ دارد و گفته است که نخستین اقدام دولت ترامپ، پاکسازی حضور غیرقانونی ها از کشور خواهد بود.

استیو بنن (Steve Bannon)

مشاور رسانه های ترامپ

او همچنان از ترامپ حمایت می کند و با رسانه های راست گرای افراطی همکاری دارد.

چگونگی اختلاف افکنی: بنن انتخابات

۲۰۲۰ را جعلی خوانده و بایدن را رئیس جمهور نامشروع پیشین معرفی کرده است. بنن به دنبال تقویت جنبش راست افراطی و حمله به نهادهای حکومتی مانند FBI و وزارت دادگستری است.

کاری لیک (Kari Lake)

سیاستمدار جمهوری خواه و متحد ترامپ

کاری لیک در انتخابات فرمانداری آریزونا شکست خورد اما همچنان ادعا دارد که در انتخابات تقلب شده است.

چگونگی اختلاف افکنی: او مدعی است که

دمکرات ها همیشه در حال تقلب انتخاباتی هستند و از طرفداران شدید جنبش «توقف دزدی انتخاباتی» (Stop the Steal) است.

مارجری تیلر گرین (Marjorie Taylor Greene)

نماینده کنگره و متحد ترامپ این نماینده کنگره از پر سر و صداترین حامیان ترامپ است.

چگونگی اختلاف افکنی: او از تئوری های

توطئه علیه دمکرات ها حمایت می کند و معتقد است که دمکرات ها پدوفیل هستند! گرین گفته که آمریکا باید به سمت جدایی مسالمت آمیز پیش برود؛ یعنی به نوعی جنگ داخلی مدرن را برای آینده خود انتخاب کند.

جیم جردن (Jim Jordan) - رئیس کمیته

قضایی مجلس نمایندگان وی یکی از مدافعان اصلی ترامپ در پرونده های حقوقی است.

چگونگی اختلاف افکنی: وی در حال

تهیه گزارشی درباره سیاسی کاری وزارت دادگستری و FBI علیه ترامپ است و تلاش می کند تحقیقات درباره ترامپ را غیرقانونی جلوه دهد.



پرتنش ترین دوران آمریکا

بسیاری در آمریکا معتقدند که نقش ترامپ در واقع تشدیدکننده دوقطبی در آمریکاست. براساس گزارشی که نیویورک تایمز منتشر کرده، دونالد ترامپ یکی از تأثیرگذارترین و در عین حال جنجالی ترین رؤسای جمهور آمریکاست که به شدت بر دوقطبی شدن فضای سیاسی و اجتماعی این کشور تأثیر گذاشته است. در واقع هر چند شکاف های سیاسی در آمریکا قبل از او نیز وجود داشت اما ترامپ با روش های خاص خود این دوقطبی را به اوج رساند. در ادامه به برخی از مهم ترین تأثیرات ترامپ در زمینه دوقطبی شدن آمریکا می پردازیم:

تشدید اختلافات حزبی و افزایش تعصب سیاسی

ترامپ سیاست های خود را به گونه ای پیش برد که باعث شد هواداران و مخالفانش به شدت در مقابل هم قرار بگیرند. او با اظهارات تند و حمله مستقیم به دمکرات ها، رسانه های منتقد و حتی مخالفان در حزب جمهوری خواه، اختلافات حزبی را عمیق تر کرد. تحت رهبری او در حزب جمهوری خواه، جمهوری خواهان وفاداری شدیدی به او پیدا کردند و حزب جمهوری خواه به نوعی به حزب ترامپ تبدیل شد. در مقابل دمکرات ها نیز به شدت علیه او متحد شدند و تلاش کردند هر اقدامی از سوی ترامپ را متوقف کنند.

دامن زدن به تنش های نژادی و اجتماعی

ترامپ با برخی مواضع و سخنانش باعث شد تنش های نژادی و اجتماعی در آمریکا افزایش پیدا کند. او در جریان اعتراضات جنبش «جان سیاهپوستان مهم است» (Black Lives Matter) به جای حمایت از تغییرات اجتماعی، معترضان را آشوبگر نامید و سرکوب شدید آنها را خواستار شد. در ماجرای راهپیمایی نژادپرستان در شارلوتزویل (۲۰۱۷)، حاضر نشد به طور قاطع نژادپرستان سفیدپوست را محکوم کند و گفت: «افراد خوبی در هر دو طرف هستند!» همچنین سیاست های مهاجرتی او، مانند ممنوعیت ورود مسلمانان از برخی کشورها و جداسازی خانواده های مهاجر در مرز مکزیک، باعث شد اختلافات بر سر مهاجرت شدت بگیرد.

تأثیر بلندمدت تنش سیاسی

هنوز بسیاری از جمهوری خواهان، بایدن را رئیس جمهور قانونی در دوره پیشین نمی دانند. اختلافات فرهنگی بر سر موضوعاتی مثل سقط جنین، کنترل اسلحه و آموزش تاریخ نژادپرستی شدیدتر شده و برخی جمهوری خواهان حتی حاضر نیستند با دمکرات ها همکاری کنند، چون نگرانند به عنوان خیانتکار شناخته شوند. در واقع ترامپ نه تنها دوقطبی های موجود در آمریکا را تشدید کرد بلکه اعتماد به نهادهای دمکراتیک، رسانه ها و حتی حقایق علمی و انتخاباتی را زیر سؤال برد. در نتیجه، آمریکا امروز به دو جبهه کاملاً مخالف تبدیل شده که توافق بر سر ساده ترین مسائل هم برایشان دشوار شده است. این دوقطبی شدن حتی پس از ریاست جمهوری او هم ادامه خواهد داشت و به نظر می رسد که به همه تحولات سیاسی آمریکا سایه افکننده است.

تضعیف اعتماد به نهادهای دمکراتیک

ترامپ بارها مشروعیت نهادهای دمکراتیک را زیر سؤال برده است. نمونه بارز آن ادعای تقلب در انتخابات ۲۰۲۰ بود که باعث شد میلیون ها نفر از طرفداران او باور کنند که بایدن به طور غیرقانونی رئیس جمهور شده است. حملات مکرر به سیستم قضایی و اف بی آی و ادعای اینکه این نهادها علیه او و طرفدارانش توطئه می کنند، یکی دیگر از اقدامات ترامپ در راستای تضعیف نهادهای دمکراتیک آمریکا بود. همچنین بی اعتبار کردن رسانه ها و معرفی آنها به عنوان «دشمن مردم» موجب شد دو جناح سیاسی حتی بر سر واقعیت های اساسی هم توافق نداشته باشند.

افزایش خشونت های سیاسی و قطبی شدن افکار عمومی

یکی از خطرناک ترین پیامدهای قدرت گیری ترامپ در آمریکا، افزایش خشونت های سیاسی و گسترش تفکر توطئه میان هوادارانش بوده است. حمله طرفداران ترامپ به کنگره در ۶ ژانویه ۲۰۲۱ برای جلوگیری از تأیید پیروزی بایدن، نشان داد که اختلافات سیاسی تا حد اقدام فیزیکی و شورش پیش رفته است. رشد جنبش های افراطی راست گرا مانند QAnon که باور داشتند دمکرات ها یک شبکه مخفی از جنایتکاران کودک آزار دارند! و همچنین افزایش تهدیدها و حملات علیه مقامات انتخاباتی، خبرنگاران و حتی اعضای حزب جمهوری خواه که از ترامپ فاصله گرفته بودند، نمونه هایی از افزایش خشونت های سیاسی دوقطبی در دوران ترامپ در آمریکاست.